



درس ۸

برج بابل

مقدمه

در درس آخر سیل بزرگی را که در روزگار نوح زمین را پوشانده بود، بررسی کردیم. ما دیدیم که چگونه خدا نوح و خانواده اش را نجات داد، در کل فقط هشت نفر. هنگامی که آنها از کشتی بیرون آمدند، این آغازی تازه بود و زمین باید بار دیگر پر از انسان شود - همانطور که خدا در ابتدا به آدم و حوا دستور داده بود.

فرزندان نوح

کتاب مقدس در مورد این افراد به ما می گوید و در پیدایش ۱۰ ما یک لیست طولانی از اسامی داریم، از فرزندان سام، هام و یافث، در مجموع هفتاد نام. گاهی اوقات هنگام خواندن کتاب مقدس با لیست هایی از این دست روبرو می شویم که خواندن و درک آنها دشوار است. ما باید به یاد داشته باشیم که کل کتاب مقدس از خداوند الهام گرفته شده است همانطور که پولس رسول نوشت: "تمام کتاب مقدس



باب ۱۰-۱۱

توسط خدا دمیده شده و برای تعلیم ، ملامت، اصلاح، و تربیت در درستی، سودمند است ، تا انسان خدا شایسته و مجهز به هر کار خوب باشد."

نمرود (۱۰ : ۸-۱۰)

ما فقط یک نسل از نوح را با جزئیات بیشتری در نظر خواهیم گرفت.
"پسران هام: کوش ، مصر ، پوت و کنعان ...

کوش پدر نمرود بود. او اولین فردی بود که روی زمین (بعد از سیل) که مردی توانا باشد. او در پیشگاه خداوند شکارچی نیرومندی بود. بنابراین گفته شده است: "مانند نمرود شکارچی نیرومند در پیشگاه خداوند."

آغاز پادشاهی او بابل بود. «، پیدایش ۱۰ : ۶ ، ۸-۱۲

درک این اسامی در اینجا دشوار است ، اما خدا آنها را به ما می دهد زیرا آنها پیام مهمی برای ما دارند.

ما دیده ایم که قبل از اینکه خداوند زمین را در طوفان نابود کند:

- قابیل شهری را بنا کرد و آن را به نام پسر خود نامید (۴: ۱۷). اکنون می خوانیم که نمرود نیز یک شهر ساخته است.



باب ۱۰-۱۱

- در زمان نوح مردان توانمندی از قدیم بودند (۶: ۴). اکنون می خوانیم که نمرود نیز مردی توانا بود.
 - درست قبل از طغیان سیل ، زمین " در پیشگاه خدا " فاسد شد (KJV ۱۱: ۶). اکنون می خوانیم که نمرود یک شکارچی نیرومند " در پیشگاه پروردگار " بود.
- وقتی خانواده نوح از کشتی بیرون آمدند به آنها گفته شد که فرزندان زیادی داشته و زمین را پر کنند (۱: ۹). اما متوجه می شویم که آنگونه که خدا امر کرد اتفاق نیفتاده است ، همه در یک مکان زندگی می کردند و به نظر می رسد که نمرود برای نام خود ، نمرود ، شورشی علیه خدا برپا کرد ، نمرود به این معنی " اجازه دهید ما شورش کنیم " و او شهر بابل را ساخت.
- چیزی تغییر نکرده است! سرشت انسان همان است و افراد همچنان از پذیرش خدای یگانه و قوانین او همانطور که قبل از سیل خودداری می کنند.

برج سازی

ما از ابتدای فصل ۱۱ می دانیم که همه افراد پس از طوفان در ابتدا در کنار هم بودند. همه آنها به یک زبان صحبت می کردند و احتمالاً فقط چند صد نفر بودند. آنها پس از طوفان از منطقه ای که کشتی در آن استراحت کرد دور شدند و به سرزمین شنار آمدند. این کشوری است که امروز ما آن را عراق می



باب ۱۰-۱۱

نامیم. این سرزمین حاصلخیز، مناسب برای پرورش غذا بود و ما می توانیم درک کنیم که چرا آنها در آنجا متوقف شده اند.

اما ببینید چه کردند! آنها آجرهایی را سوزاندند و به جای سیمان از قیر استفاده کردند و برج بزرگی را به بلندایی که می توانستند ساختند. انگیزه آنها برای این کار به ما گفته شده است.

آنگاه گفتند: «بیاپید شهری برای خود بسازیم و برجی که سر بر آسمان ساید، و نامی برای خود پیدا کنیم، مبادا بر روی تمامی زمین پراکنده شویم.» (پیدایش ۱۱:۴)

ما می دانیم که چه کسی این پروژه عالی ساخت را رهبری کرده است! این بابل نامیده شد (پیدایش ۱۱:۹) و ما قبلاً دیدیم که این نمرود بود که این را ساخت (پیدایش ۱۰:۱۰). آنها تصمیم گرفتند برای خود "نامی بسازند" - آنها می خواستند به عنوان افرادی مشهور شوند که با قدرت خود برج بسیار بلندی ساخته اند. شاید آنها این کار را کردند تا اگر در آینده سیل دیگری به وجود آمد غرق نشوند! با این حال آنها نام خداوند را رد کردند. در اینجا یک درس قدرتمند برای ما وجود دارد. این یک میل طبیعی است که سعی می کنیم زندگی خود را برای خودمان مرتب کنیم. ما امنیت می خواهیم و حاضریم زمان و تلاش زیادی را صرف تلاش و دستیابی به آن کنیم. اما کتاب مقدس برای ما کاملاً روشن ساخته است



باب ۱۰-۱۱

که تنها کسی که می توان برای آینده به او اعتماد کند ، خداوند متعال و وعده بزرگ نجات اوست. در یک پژواک زیبا به احمقانه بودن برج بابل ، مزامیر این کلمات را نوشت.

"خداوند صخره من است، دژ من و رهاونده من؛
خدایم صخره من است که در او پناه می جویم؛
او سپر من است، شاخ نجات و قلعه بلندم." (مزمور ۱۸ : ۲)

گنجی زبانها (۱۱ : ۷-۹)

خدا چه کرد؟ می خوانیم که او «پایین آمد» (۷۷) ! چه کنتر است قابل توجهی! افراد شرور برج را به همان اندازه که می توانستند بلند کنند ، درست درون آسمان ، برای به چالش کشیدن خداوند ساختند. با این وجود او چنان بالاتر از همه انسانها است که برای مقابله با آنها پایین آمد. هر چقدر هم که در زندگی تلاش کنیم خود را بالا ببریم ، خدا همیشه بالاتر و بزرگتر از هر مردی است.

خدا در نظر داشت که آنها کارهای بدتری در آینده انجام دهند و بنابراین زبان آنها را دستکاری کرد به طوری که آنها نمی توانستند صحبت های یکدیگر را درک کنند. این معرفی بسیاری از زبانهایی است که امروزه در جهان از آنها صحبت می شود.

یک خانواده متحد ، ساخته شده توسط نمرود برای به چالش کشیدن خدا ، اکنون از هم پاشید. کسانی که به یک زبان صحبت می کنند به طور طبیعی با هم زندگی می کنند در حالی که دیگران دور می شوند و



باب ۱۰-۱۱

زندگی جداگانه ای دارند. ما این را در باب ۱۰ دیدیم ، زیرا پس از فهرست کردن فرزندان هر یک از سه پسر نوح این را می خوانیم:

"اینان فرزندان شم ، با قبایل ، زبانها ، سرزمینها و ملل هایشان هستند." (پیدایش ۱۰:۳۱)

بنابراین ، در اینجا در کتاب مقدس ما شروع همه ملت های زمین را داریم. همه از سه پسر نوح هستند و همه از زمانی ناشی می شوند که خداوند جامعه بی خدا را که وجود داشت از بین برد. یک واقعیت دیگر نیز وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. ما می دانیم که خدا چه زمانی این کار را کرد زیرا به ما گفته شد:

"دو پسر برای عبر زاده شدند: نام یکی فلج بود زیرا در زمان او زمین منقسم شد؛ برادر او یقطان نام داشت." (پیدایش ۱۰:۲۵)

۱۶۵۶ سال از آدم تا سیل می گذشت - مدت زمانی که زمین چنان شرور شد که خدا تصمیم گرفت آن را نابود کند. با این وجود فقط ۲۰۰ سال پس از سیل طول کشید تا زمین دوباره چنان شریرانه شود که خداوند برای از بین بردن آن جامعه شیطانی مداخله کرد. این چه اظهار نظر وحشتناکی در مورد ذات انسان است.

در درس بعدی خواهیم دید که چگونه خداوند شروعی دیگر ایجاد می کند و مردی را انتخاب می کند که در مرکز همه برنامه های او باشد.



خلاصه

در این درس نکات کلیدی زیر را یاد گرفتیم:

- کل کتاب مقدس از خداوند الهام گرفته شده است و همه آن کمکی ست برای ما که در تلاش برای یادگیری در باره خداوند و راه های او هستیم.
- نمرود رهبر عصیانگران علیه خدا و راههای او بود.
- وقتی مردان بزرگ و قدرتمند هستند، تمایل دارند که از خدا روی برگردانند و به قدرت خود اعتماد کنند. با این حال، ما باید در زندگی خود به خدا اعتماد کنیم. هیچ کس دیگری شایسته ایمان ما نیست.